

قوانین نانوشته خواستگاری



با این‌که مراسم خواستگاری در این دوره نسبت به گذشته خیلی تفاوت پیدا کرده است، اما هنوز هم قوانینی وجود دارد که از خانواده‌های عروس و داماد انتظار می‌رود آنها را در نظر داشته باشند و رعایت کنند.

با این‌که مراسم خواستگاری در این دوره نسبت به گذشته خیلی تفاوت پیدا کرده است، اما هنوز هم قوانینی وجود دارد که از خانواده‌های عروس و داماد انتظار می‌رود آنها را در نظر داشته باشند و رعایت کنند.

گاه خانواده‌هایی که برای خواستگاری به خانه یکدیگر می‌روند از قبل با یکدیگر آشنا بوده و همین آشنایی باعث علاقه دختر و پسر و برگزاری مراسم خواستگاری شده است. گاهی هم خانواده‌ها هیچ شناختی نسبت به یکدیگر ندارند و شاید خواستگاری اولین جلسه‌ای باشد که آنها را با هم آشنا می‌کند. بی‌شک در صورتی که خانواده‌ها هیچ شناختی نسبت به یکدیگر نداشته باشند، برگزاری چنین مراسمی هم سخت‌تر خواهد بود و بیشتر والدین و جوانان را نگران می‌سازد. با این حال، قوانینی هست که در تمام خواستگاری‌ها باید رعایت شود؛ آدابی که نشان دهنده احترام به طرف مقابل و ادب و نزاکت شماست.

سرزده به خواستگاری نروید

تا به حال فکر کرده‌اید اگر یک روز که راحت و بدون هیچ دغدغه‌ای در خانه تان نشسته‌اید و مشغول تماشای برنامه‌های تلویزیون هستید، خانواده‌ای برای خواستگاری در بزند و وارد خانه شود، چه حسی خواهید داشت؟ البته خانواده داماد هم همین‌طور؛ اگر بدون اطلاع قبلی برای خواستگاری به خانه کسی بروند که اصلاً از آمدن‌شان خبر ندارد، چه اتفاقی خواهد افتاد و از برخورد آنها - که از همه جا بی‌خبرند - چه احساسی پیدا خواهند کرد؟

بنابراین مشخص است که روز و ساعت دقیق خواستگاری از قبل باید تعیین شود و تحت هیچ شرایطی نباید بدون هماهنگی برای خواستگاری به خانه شخصی دیگر بروید؛ حتی اگر با آنها آشنا باشید و خیلی احساس غریبی نکنید.

البته حواستان باشد ساعتی که برای این کار تعیین می‌کنید هم خیلی بی‌موقع نباشد و موجب ناراحتی خانواده عروس نشود. برای همین هیچ وقت هنگام ظهر یا صبح کسی به خواستگاری نمی‌رود و این کار معمولاً هنگام غروب و بعدازظهر انجام می‌شود. خانواده عروس که میزبان هستند نیز از قبل باید برای برگزاری این مراسم آماده باشند و زمانی که مهمان‌ها می‌رسند نباید خیلی دستپاچه و نگران عمل کنند.

صادق باشید

صداقت و راستگویی یکی از بهترین ویژگی‌های شخصیتی است که می‌تواند ضامن خوشبختی همسران باشد. البته بعضی‌ها ممکن است تصور کنند این صداقت در زندگی مشترک معنا پیدا می‌کند و قبل از آن، هر یک از افراد زندگی شخصی خودشان را دارند و هرطور بخواهند می‌توانند درباره آن صحبت کنند یا تصمیم بگیرند. در حالی که اگر پایه‌های زندگی بر دروغ و فریبکاری بنا شود، نتیجه‌اش هم ویرانی و نابودی خواهد بود. پس سعی کنید یا حرفی را عنوان نکنید یا اگر می‌خواهید درباره موضوعی حرف بزنید فقط واقعیت‌ها را بگویید. البته این موضوع درباره خانواده‌ها هم صادق است. به این معنی که آنها هم باید فقط درباره آنچه حقیقت دارد، صحبت کنند.

بعضی از پدر و مادرها یا حتی خواهرها و برادرها تصور می‌کنند پنهان کردن واقعیت یا حتی دروغگویی به نفع فردی است که می‌خواهد ازدواج کند. به همین دلیل هم به بزرگنمایی و فریبکاری روی می‌آورند و از ویژگی‌هایی صحبت می‌کنند که درواقع وجود ندارد. در حالی که این کار نه تنها کمک و دلسوزی به حساب نمی‌آید که حتی در آینده‌ای نه چندان دور ممکن است زمینه‌ساز ایجاد مشکلات زیادی شود.

حتی اگر موضوعی وجود دارد که نگرانش هستید و نمی‌خواهید درباره آن حقیقت، چیزی به خانواده عروس و داماد بگویید (مشکلاتی مانند اختلافات خانوادگی، بیماری و...) خوب است در اولین جلسه در مورد آن صحبت نکنید، ولی پس از آن و هنگامی که بیشتر با طرف مقابل و خانواده‌اش آشنا شدید به شیوه‌ای مناسب، موضوع را مطرح کنید. در هر حال یادتان باشد هیچ نکته‌ای، حتی اگر از نظر شما بی‌اهمیت باشد، نباید از دید طرف مقابل مخفی بماند.

خواستگاری با طعم نگرانی: از نوع نشستن و حرف زدنش هم پیداست چقدر نگران است و دلش شور می زند. بعضی ها به رفتارشان می خندند و عده ای هم فکر می کنند چون چیزی را مخفی می کند، این همه نگران است. با این همه، او نمی تواند خودش را کنترل کند و دائم در حال پاک کردن قطره های عرقش است که یکی یکی از پیشانی می لغزد و روی صورتش می افتد و در نیمه راه با دستمالی چروکیده پاک می شود.

وقتی میوه و شیرینی به او تعارف می کنند، لبخندی از روی ناچاری می زند و هیچ چیز بر نمی دارد. انگار می ترسد دست های لرزان همه چیز را خراب کند. از وقتی پا به خانه عروس خانم گذاشته اند، سرش را پایین انداخته و فقط گل های قالی را نگاه کرده است. حالا دیگر طرح این قالی را با تعداد دقیق گل ها، بته و جقه هایش کاملا حفظ شده است.

خواستگاری در کمال راحتی: طوری روی مبل نشسته که دیگران احساس می کنند هر لحظه ممکن است دراز بکشد و پاهایش را روی هم بیندازد. طوری به خیار گاز می زند که صدای قرچ و قورچ آن در سالن می پیچد و توجه همه را جلب می کند. خنده های پشت سر هم و دست انداختن دور کردن برادر عروس خانم هم حسابی دیگران را متعجب کرده است، اما او همه این کارها را انجام می دهد تا نشان دهد چقدر با این خانواده راحت است و هیچ تعارفی ندارد. او به خیال خودش دارد یخ جمع را آب می کند و نمی داند دیگران چنین رفتاری را به هیچ عنوان نمی پذیرند.

شاید این دو نمونه برای بعضی ها آشنا باشد، بخصوص اولی که سرشار از نگرانی و اضطراب بود. بسیاری از کسانی که در اولین جلسه خواستگاری حاضر می شوند - هم عروس و داماد و هم اعضای خانواده شان - همین احساس را تجربه می کنند و نگران برخورد و رفتارشان هستند. در حالی که همین نگرانی ها می تواند کارها را خراب تر کند و مشکلاتی را به وجود آورد که اصلا فکرش را هم نکرده اند.

به همین دلیل هم روان شناسان و مشاوران خانواده به افرادی که برای حضور در مراسم خواستگاری آماده می شوند، توصیه می کنند بدون نگرانی و استرس در جمع حاضر شوند و رفتاری طبیعی و منطقی داشته باشند. البته آنها که می خواهند در همان اولین جلسه صمیمیت و آشنایی خود را به خانواده طرف مقابل نشان دهند نیز باید بدانند رفتارشان تأیید نمی شود. در واقع، اولین جلسه خواستگاری برای آشنایی بیشتر خانواده ها با یکدیگر است و طی آن، نه باید خیلی خودمانی برخورد کنید و نه خیلی جدی و خشک.

حواشی پرنرنگ

معمولا بیشترین ساعات و دقایقی که در مراسم خواستگاری سپری می شود یا در سکوت می گذرد یا درباره گرانی و آب و هوا و تورم و ترافیک و ده ها موضوع غیر مرتبط دیگر صحبت می شود. پدر و مادر عروس و داماد هم از ترس این که نسبت به طرف مقابل بی احترامی کرده و حرفش را نیمه تمام گذاشته باشند، معمولا ساکت می نشینند و به حرف های یکدیگر گوش می دهند. مسلما آنها نگران آینده فرزندان شان هستند و نمی خواهند سال های بعد، مشکلی برایشان پیش بیاید، اما با همه اینها باز هم در چنین مراسمی ترجیح می دهند سکوت کنند و وقت بیشتری را در این حالت بگذرانند.

البته وقتی سکوت شکسته می شود و جلسه خواستگاری رسمی می شود، باز هم شاید خیلی تفاوت نداشته باشد چون معمولا سوالاتی که قرار است در این جلسه ها پرسیده شود، از پیش تعیین شده و مشخص است؛ میزان تحصیلات آقای داماد پرسیده می شود و این که شغل مناسب دارد یا نه؟ خانه و اتومبیل شخصی چطور؟ درآمد ماهانه اش چقدر است؟ سربازی رفته یا نه؟ و سوالاتی از این دست.

از خانواده عروس خانم هم تقریبا همین سوالات پرسیده می شود: میزان تحصیلات، شاغل بودن یا خانه دار بودن؟ میزان درآمد؟ و ... سوالاتی که شاید واقعا در خوشبختی آنها تأثیری نداشته باشد، ولی براساس رسم و قانونی نانوشته حتما باید به ترتیب در جلسات خواستگاری پرسیده شود. برای همین هم خانواده ها قبل از حضور در این مراسم جواب های مشخصی برای این سوالات مشخص در

نظر می گیرند تا بدون فکر و نگرانی به همه آنها پاسخ دهند. بعد از این سوال و جواب ها هم نوبت به خود عروس و داماد می رسد تا درباره آینده شان حرف بزنند و ببینند چقدر با یکدیگر تفاهم دارند، می توانند همراه هم باشند یا نه، دوست دارند زندگی مشترک شان را با چنین فردی تشکیل دهند یا نه و ...

جلسه خواستگاری با جلسه امتحان فرق دارد

درست است در همان جلسات ابتدایی باید بسیاری از مسائل روشن شده و نکات زیادی برای خانواده ها آشکار شود، اما این که از اولین دقیقه خواستگاری - بخصوص در اولین جلسه - تا پایان آن، وقت تان را به سوال و جواب بگذرانید، مسلماً خیلی خوشایند نخواهد بود.

بنابراین خوب است وقتی هم برای تفریح در نظر بگیرید و از موضوعات دیگری حرف بزنید تا نگرانی ها هم کمتر شود. علاوه بر این، با چنین کاری می توانید خاطره خوبی از اولین جلسه آشنایی تان بسازید که سال های بعد از ازدواج هم با یادآوری آن لبخند بر لب تان می نشیند.

جنگ اول به از صلح آخر است

این مثل قدیمی را که باور دارید جنگ اول از صلح آخر بهتر است، حتما شنیده اید. پس اگر قرار است به خواستگاری بروید یا خواستگاری می خواهید به خانه شما بیاید، این موضوع را در نظر داشته باشید و همه نکات مورد نیاز را بدون ترس و نگرانی مطرح کنید. مطمئن باشید اگر قرار باشد خانواده طرف مقابل، نظرات شما را نپذیرد و آنها را تأیید نکند همین ابتدای کار بهتر است، مشخص شود. بنابراین با ترس از تأیید نکردن یا نپذیرفتن اهداف و شرایط شما، آنها را از همسران یا خانواده اش مخفی نکنید. البته یادتان هم باشد که جنگ اول به معنای دعوا و مشاجره و جنگ واقعی نیست؛ بلکه می توانید شرایطی را که برای زندگی دارید به آرامی با آنها مطرح کنید و منتظر پاسخ شان بمانید. در صورتی که آنها با شما موافق نبودند هم نباید مشاجره کنید و بحث های طولانی و اغلب هم بی فایده داشته باشید. در چنین مواقعی فقط به یکدیگر فرصت دهید تا هرچه بهتر و بیشتر در این مورد فکر کرده و تصمیم بگیرید، اما اگر احساس می کنید نمی توانید از برخی خواسته ها و شرایط تان بگذرید، هیچ وقت آن را فراموش نکنید و به کمک احساسات تصمیم اشتباه نگیرید.

قبل از ازدواج با هم به گردش طولانی مدت بروید

مسلماً در جلسه ای یک یا دو ساعته بسیاری از مسائل و موضوعات ناگفته باقی می ماند و خانواده ها نمی توانند متوجه برخی از مشکلات شوند. به عنوان نمونه حتی ممکن است فردی دچار اختلالات شخصیتی باشد ولی در طول جلسه خواستگاری آن را از دیگران پنهان کند یا اصلاً موردی پیش نیاید که خانواده طرف مقابل متوجه آن شوند. بنابراین یادتان باشد در این جلسه های کوتاه مدت خواستگاری، بسیاری از موارد مشخص نمی شود. مثلاً هیچ وقت نمی توان پس از یک جلسه، درباره رفتار فرد هنگام عصبانیت یا بحران نظری داشت یا واکنش او را هنگامی که خسته و عصبانی است، پیش بینی کرد.

بنابراین بهترین کار این است که قبل از ازدواج، خانواده ها وقت بیشتری را با یکدیگر بگذرانند و برای مدتی طولانی باهم باشند. مثلاً خوب است خانواده ها به یک گردش و تفریح طولانی بروند و طی آن بیش از 10 ساعت از روز را با هم سپری کنند. در این مواقع که افراد خسته می شوند بسیاری از نکات مربوط به روحیه و شخصیت شان را بهتر نشان خواهند داد.

مراقب رفتار تان باشید

دختر خانم و آقا پسر، در جلسه خواستگاری بیشتر از دیگران اضطراب خواهند داشت و با توجه به این که کوچک ترین رفتارشان هم زیر ذره بین خانواده طرف مقابل است، این نگرانی شان تشدید خواهد شد. با این همه اما آنها نباید رفتاری نامناسب از خودشان نشان دهند و نگرانی و اضطراب را بهانه این کار کنند. برای همین توصیه می شود نکاتی را در نظر داشته باشند و آنها را تا حد امکان رعایت کنند:

– قبل از حضور یافتن در مراسم، باید لباسی مناسب تهیه کرده و آن را با دقت و توجه بپوشید. مسلماً اگر تا آخرین دقیق ندانید قرار است چه لباسی بپوشید، آشفته و نگران خواهید بود و حتی ممکن است دیر به خانه عروس برسید.

– سعی کنید طوری برنامه را تنظیم کنید که بموقع در مراسم حضور داشته باشید. تاخیر و بدقولی در این جلسات نتیجه خوبی نخواهد داشت.

– برای خرید گل معمولاً می‌گویند بهتر است دسته یا سبد گل، گل‌هایی به رنگ روشن و زنده داشته باشد. البته اغلب افراد هم بر تعداد شاخه‌های گل تاکید می‌کنند و آن را در زیبایی بیشتر دسته گل موثر می‌دانند.

– بهتر است دسته گل یا سبد گل را به پدر یا مادر عروس تقدیم کنید و منتظر حضور خود عروس نشوید.

– آقا پسر در طول خواستگاری باید رفتاری طبیعی داشته باشد تا خیلی عرق نکند و صورتش هم دائم سرخ نشود.

– هم دختر و هم پسر باید به بزرگ‌ترها اجازه صحبت کردن بدهند و حتی اگر با حرف آنها موافق نیستند، میان صحبت شان نپرند.

– آقا نباید به اسباب و لوازم خانه یا در و دیوارها خیره شود. حتی اگر این کار با هدف و نیت خاصی نباشد، باز هم کاری بی ادبانه به حساب می‌آید.

– شاید خنده دار به نظر برسد، اما تجربه نشان داده، پوست کندن میوه‌هایی مثل پرتقال‌های بزرگ و آبدار یا جویدن خیار در چنین مراسمی خیلی مناسب نیست و باعث بروز دردسر می‌شود.

– در صورتی که شرایط فراهم است، پذیرایی را از بزرگ‌ترها شروع کنید و با این کار احترام خود را نسبت به آنها نشان دهید.

– همچنین خوب است برای جلسه اول خواستگاری، همه دوستان و بستگان را با خودتان همراه نکنید و جمعیت زیادی را به خانه دختر خانم نبرید.

وقت ازدواج تان رسیده؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که برای جوانان و خانواده‌هایشان مطرح می‌شود، سن مناسب برای ازدواج است. خیلی وقت‌ها، والدین به جای فرزندان تصمیم می‌گیرند و می‌گویند حالا دیگر وقت ازدواج است. در حالی که شاید خیلی توجهی به آمادگی دختر و پسر نداشته باشند و فقط به دلیل این که سنشان به حد مشخصی رسیده، آنها را به ازدواج تشویق کنند.

متأسفانه گاهی چنین اتفاقی در خانواده‌ها می‌افتد و به آمادگی دختر یا پسر برای پذیرش نقش همسر توجهی نمی‌شود. در حالی که توصیه می‌شود شرایط اولیه‌ای را برای ازدواج در نظر بگیرید و پس از بررسی آنها برای این کار اقدام کنید.

یکی از این شرایط اصلی که حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع بلوغ است. البته یادمان باشد، علاوه بر بلوغ جسمی که معمولاً شش ماه پس از یک رشد قد ناگهانی اتفاق می‌افتد، باید به بلوغ اجتماعی و عقلی فرد نیز توجه کنیم. بلوغ اجتماعی از زمانی شروع می‌شود که حضور در جامعه برای فرد مهم می‌شود و نگاهش نسبت به آن تغییر می‌کند. به این معنی که اگر قرار است در جمعی حاضر شود، سعی می‌کند با ظاهری آراسته و مرتب برود و این موضوع برایش اهمیت خاصی پیدا می‌کند. به این ترتیب، بلوغ اجتماعی شروع می‌شود و حضور در اجتماع و داشتن هویت اجتماعی برای فرد اهمیت می‌یابد. علاوه بر این، هنگامی که فرد به تفکری منطقی می‌رسد نیز می‌توان گفت به بلوغ عقلی رسیده است. همه ما انسان‌هایی را دیده‌ایم که رفتار و کردارشان طوری است که آنها را بزرگ‌تر از سن واقعی‌شان نشان می‌دهد و در مقابل کسانی هم هستند که باوجود سن زیادشان، رفتاری بچگانه دارند. بنابراین برای این که دختر یا پسر جوان بتوانند ارتباط متقابلی با همسرشان برقرار کنند، حتماً باید به این شرایط توجه شود و آنها هم باید این مراحل را پشت سر گذاشته باشند.

زمانی که فردی به مرحله‌ای می‌رسد که احساس می‌کند برای ازدواج و تشکیل خانواده آماده است و می‌تواند یک رابطه دو طرفه را مدیریت کند، نوبت انتخاب می‌شود. البته نباید این نکته را فراموش کنیم که ارتباط برقرار کردن در اجتماع موضوعی مهم است، اما مدیریت این ارتباطات مهم‌تر از آن به حساب می‌آید. درواقع، شاید بتوان چنین گفت که افزایش آمار طلاق و جدایی همسران، اغلب به دلیل ناآشنایی با مهارت مدیریت رابطه‌شان است؛ رابطه عاشقانه‌ای که ابتدا نسبت به همسرشان داشته‌اند و پس از مدتی با

مشکل مواجه شده و از بین رفته است.

البته نباید تصور کنیم این قدرت مدیریت صددرصد ذاتی است؛ بلکه بخش زیادی از آن هم قابل تعلیم و آموختن است. بنابراین افراد قبل از ازدواج باید با روحیات و روان شناسی جنس مخالف آشنا شوند تا هرچه بهتر یکدیگر را درک کرده و به تفاهم برسند.

این سه محور را ساده نگیرید

برای این که اختلافات زوج ها به حداقل برسد و در کنار یکدیگر زندگی شیرین و دوست داشتنی تری را تجربه کنند، خانواده ها قبل از ازدواج حتما باید سه موضوع اصلی را در نظر داشته باشند. به این معنی که در این موارد باید با یکدیگر تفاهم داشته و نظرات و شرایط شان هم تقریباً مشابه هم باشد.

شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سه محوری است که به هیچ عنوان نباید ساده از کنارش گذشت. درباره وضع اقتصادی خانواده ها نباید فراموش کرد ازدواج دختر پولدار با پسر فقیر یا برعکس آن، فقط در داستان ها و فیلم ها اتفاق می افتد و در واقعیت، چنین ازدواجی نمی تواند یک ازدواج موفق به حساب بیاید. بنابراین باید با خانواده ای وصلت کنید که تا حد امکان از نظر شرایط اقتصادی و مالی مشابه شما باشند.

شرایط اجتماعی دو خانواده هم تقریباً باید یکسان باشد. به عنوان نمونه دختری که از نظر تحصیلات مدرک فوق لیسانس دارد، آیا واقعا در زندگی مشترک می تواند با مردی که دیپلمه است، زندگی موفقی را تجربه کند؟ مسلماً چنین نیست و این ازدواج هم نمی تواند موفق باشد. به همین دلیل توصیه می شود میزان تحصیلات دو نفر، متناسب با یکدیگر باشد. البته درباره آقایان قضیه کمی فرق می کند و اگر سطح تحصیلات همسرشان پایین تر باشد، معمولاً آنها بهتر می پذیرند و با آن کنار می آیند. موضوع سوم هم هماهنگی و تشابه فرهنگی خانواده هاست که در این زمینه مسائل مذهبی و اعتقادی هم مطرح می شود.

هیچ کس تغییر نمی کند

خیلی ها زمانی که برای حضور در مراسم خواستگاری آماده می شوند، چندان به فکر مسائل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیستند و می گویند پس از ازدواج می توانند نظرات همسرشان را مطابق میل و سلیقه خود تغییر دهند. در حالی که به هیچ عنوان چنین چیزی ممکن نیست. در حقیقت، برای فردی که به طور متوسط 25 سال با فرهنگ و عادت خاصی زندگی کرده است، باید همین مدت وقت بگذارد تا شاید بتواند برخی از رفتارهایش را تغییر دهید. بنابراین از همان ابتدا باید فردی را انتخاب کنید که با معیارهای شما هماهنگ است و نیازی به تغییر ندارد.

از تجربه بزرگ ترها استفاده کنید

گاهی دختر و پسر جوان نمی خواهند حرف بزرگ ترها را بپذیرند و به همین دلیل ممکن است مرتکب خطا شوند. بنابراین توصیه می شود از نظرات بزرگ ترها که تجربه بیشتری دارند، کمک بگیرید و در انتخاب خود با آنها مشورت کنید. علاوه بر این، یادتان باشد هیچ انسانی بی عیب و نقص نیست و شما هم نمی توانید همسری پیدا کنید که هیچ نقطه ضعفی نداشته باشد. بنابراین باید معیارهایتان را یادداشت کنید و به هر یک از آنها امتیاز بدهید. پس از آن، با اولویت بندی و انتخاب اولویت های اول، بهتر و راحت تر تصمیم خواهید گرفت و پس از کسب شناخت کافی می توانید آماده ازدواج شوید. / ضمیمه چارودیواری

نیلوفر اسعدی بیگی